



## دیدگاه قرآن درباره تغییر و حرکت در هستی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی گفت: دال مرکزی طرح‌نامه شبکه پارادایم قرآن‌بنیان، کشف این موضوع است که ارتباط موجودات در عالم هستی چگونه است؟ بدین منظور باید از تحلیل آیات استفاده کنیم تا پاسخ مسئله به دست آید.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی گفت: دال مرکزی طرح‌نامه شبکه پارادایم قرآن‌بنیان، کشف این موضوع است که ارتباط موجودات در عالم هستی چگونه است؟ بدین منظور باید از تحلیل آیات استفاده کنیم تا پاسخ مسئله به دست آید.

عبدالحمید واسطی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به گزارش خبرنگار ایگنا، حجت الاسلام عبدالحمید واسطی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، امروز سه شنبه ۲۳ آذرماه در «نشست روش علوم انسانی قرآنی» درباره موضوع ارائه طرح‌نامه شبکه پارادایم قرآن‌بنیان سخنرانی کرد. در ادامه متن سخنان او را می‌خوانید:

پارادایم اصطلاحی است که نسبت به معنای سابق خود مقداری تغییر کرده است و به عنوان دستگاه معرفتی به کار می‌رود و لوازم نسبیتی که در پارادایم کوهنی ارائه می‌شود در اینجا جاری نیست. اصل بحث پارادایم قرآن‌بنیان پاسخ به این مسئله است که آیا قرآن برای ارائه نظریاتش و برای اینکه ما بتوانیم نظریات مربوط به علوم و دانش را از آن استنتاج و اکتشاف کنیم، یک چارچوب معرفتی را ارائه داده است یا خیر؟ نکته دیگر این است که در بسیاری از مواقع وقتی از پارادایم در امور قرآنی سخن گفته و گمان می‌شود که پیش فرضی را محقق در نظر گرفته است و اکنون می‌خواهد آیاتی را که منطبق با پیش فرضش است از قرآن جمع‌آوری کند.

سؤالاتی که در پارادایم قرآن‌بنیان مطرح می‌شود

نمونه‌ای از سؤالاتی که در پارادایم قرآن‌بنیان به قرآن عرضه می‌شود این است که دیدگاه قرآن درباره نظام عالم چیست؟ نظام عالم را قرآن چگونه ترسیم کرده است؟ قرآن معیار اعتبار معرفت را چه می‌داند؟ قرآن چه دیدگاهی در مورد جایگاه انسان در نظام هستی دارد؟ نگرش قرآن به کیفیت شکل‌گیری یک نظام اجتماعی در زمان گذشته و آینده چیست؟ دیدگاه قرآن درباره ملاک حسن و قبح، خوب و بد و باید و نباید چیست؟ البته این سؤالات به سؤالات جزئی‌تری تقسیم می‌شوند، چراکه مباحث معرفت‌شناسی و روش‌شناسی، مسائلی استاندارد و تکرار شونده دارند و اینها در کتاب‌ها و مقالاتی با صیغه قرآنی مورد بحث قرار گرفته و به هرکدام از آنها پاسخ‌های عمومی‌تری تکرار داده شده است. مثلاً جهان هستی مخلوق است و خالق بر این جهان اشراف دارد. جهان هستی ابتدا و انتهای دارد. انسان دو بعد دارد و از مبدأ به سوی مقصد حرکت می‌کند. اینها مباحثی هستند که در طول دهه‌ها در مورد آنها بحث و گفت‌وگو شده است، اما اکنون برخی سؤالات با تقریرهای دیگری پیگیری می‌شود. از جمله سؤالات اصلی این است که در مبنای هستی‌شناختی و انسان‌شناختی نحوه ارتباط اجزای مختلف هستی با یکدیگر و تصویری که در کلان‌هستی به دست می‌آید چگونه است؟ در پاسخ می‌توان به خصلت شبکه‌ای بودن متغیرها اشاره کرد. خصلت مذکور این است که متغیر جدیدی حاصل شود و دال مرکزی طرح‌نامه شبکه پارادایم قرآن‌بنیان، کشف این موضوع است که ارتباط موجودات در عالم هستی به چه شکل است؟ بدین منظور باید از تحلیل آیات استفاده کنیم تا پاسخ مسئله به دست آید.

دیدگاه قرآن درباره تغییر و حرکت در هستی

خداوند در آیه ۵ سوره سجده فرموده است: «يُدِيرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ؛ اوست که امر عالم را (به نظام احسن و اکمل) از آسمان تا زمین تدبیر می‌کند سپس در روزی که مقدارش به حساب شما بندگان هزار سال است باز (حقایق و ارواح) به سوی او بالا می‌رود» نزول و عروج در اینجا نشانه نوعی از طیف داری است که باید در تحلیل‌ها اثبات شود. در آیه ۱۲ سوره طلاق نیز آمده است: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِيَتَلَمَّوهَا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا؛ خدا آن کسی است که هفت آسمان را آفرید و مانند آن آسمان‌ها از (هفت طبقه) زمین خلق فرمود؛ امر نافذ او در بین هفت آسمان و زمین نازل می‌شود تا بدانید که خدا بر هر چیز توانا و به احاطه علمی بر همه امور عالم آگاه است.» در اینجا نیز به نحوه ارتباط بین موجودات در کلان‌هستی و هم طیف دار بودن اشاره شده است. در آیه ۲۱ سوره هجر نیز خداوند متعال فرموده است: «وَأَنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُ إِلَّا يَقْدَرُ مَعْلُومٌ؛ و هیچ چیز در عالم نیست جز آنکه منبع و خزانه آن نزد ماست ولی ما از آن بر عالم خلق الا به قدر معین (که مصلحت است) فرونمی‌فرستیم.» در اینجا به نحوه ارتباط و وحدت و کثرت تمام هستی اشاره شده است و شکل هستی و جایگاه انسان در این دستگاه وجودی و مختصاتش بیان می‌شود.

مسئله دیگر اینکه تغییر و حرکت در هستی و انسان چگونه است؟ تمام عالم وجود برای این است که رشد و کمال انسان حاصل

شود و جوهره اصلی در این زمینه تغییر به سوی یک فعلیت است. جنس تغییر نیز حرکت از قوه به فعل است. از جمله آیات قابل استناد در این باره آیه ۵۰ سوره قمر است که خداوند می فرماید: «وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلِمَةً يَلْبِصَرُ؛ و فرمان ما (در همه عالم) یکی است (و هیچ تبدیل پذیر نیست چه در امر ایجاد و چه در کار معاد، و در سرعت) به مانند چشم به هم زدنی انجام یابد.» در اینجا از ارتباط حرکت با طیف دار بودن هستی و جایگاه انسان در آن سخن به میان آمده است.

موضع قرآن در زمینه تأیید و ابطال پذیری

زیرسؤال دیگر در زمینه معرفت شناسی این است که دیدگاه قرآن درباره معیار موجه بودن معرفت چیست؟ موضع قرآن در زمینه تأیید و ابطال پذیری چیست؟ خلأهای معرفتی و مغالطات از دیدگاه قرآن کدامند؟ در اینجا به قرآن به عنوان ارزیاب نگاه می کنیم. پشت صحنه بسیاری از نقل قول ها در قرآن از قول کفار و منافقین و پاسخی که خداوند در آیات به دیدگاه آنان می دهد این است که کلام آنان مغالطه دارد و تحلیل گفتار آنان با این رویکرد، ما را به این سمت هدایت می کند که خلأهای معرفتی را از قرآن دریابیم و پاسخ را به دست بیاوریم.

سؤال دیگر این است که راه کشف قوانین علمی از دیدگاه قرآن و روش و نقش آن در معرفت و چگونگی دستیابی به معرفت از دیدگاه قرآن کدام است؟ منابع معرفت از منظر قرآن کدامند؟ باید به منابع وحی، عقل و فطرت رجوع کنیم. همچنین باید بررسی کنیم که منطق فهم متن از دیدگاه خود قرآن کدام است. در همین راستا طرح نامه ای را با عنوان طرح نامه شبکه پارادایم قرآن بنیان آماده کرده ام که مطالب و پاسخ ها به طور کامل در آن ذکر شده است و در فصل سوم تأکید کرده ام که گرفتن پاسخ ها از پارادایم قرآن بنیان است و اینکه چگونه بتوانیم از مفاهیم قرآنی، که نظریاتی را درباره هستی، معرفت و روش ارائه داده است، به سوی نظریات علوم انسانی اسلامی حرکت کنیم.